



Research Paper

Received:
25 August 2022
Revised:
4 December 2023

Accepted:
25 January 2023
Published:
19 March 2023
P.P: 49-62

ISSN: 2008-3564
E-ISSN: 2645-5285



The basic obstacles and crises of the Security Council in the management of international peace and security

Hamid Salehi ¹ | Milad Abdi ²

Abstract

The United Nations is the only intergovernmental organization whose main goal is to maintain global peace and security. This organization, which was formed after the end of World War II, went through many ups and downs. With the collapse of the Soviet Union and the end of the bipolar world, many regional and international organizations underwent formal and substantive changes in order to adapt to the new international conditions and atmosphere. The need to adapt to the new conditions of the international system after the Cold War caused most eyes to be focused on reforming the structure of the United Nations Security Council regarding crises and peace building. The research method in this research is descriptive-analytical and the method of collecting information is library method, which means using document study (books, magazines, authentic domestic and foreign articles). In this regard, we are looking for an answer to the question, what are the basic obstacles and crises of the Security Council in managing international peace and security as the main goal of this organization? In the end, we come to the conclusion that the permanent presence of permanent members in the Security Council and the unequal right of veto, and the conflict of interests among the permanent members are the main obstacles to the establishment and management of peace by the Council in the international arena.

Keywords: Security Council; veto; peace management; crisis.

1. Corresponding Author: Associate Professor of Political Science, Faculty of Law and Political Science, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran. samaneh.tahmasbi1368@gmail.com.
2. Doctoral student of Political Science, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.

Cite this Paper: Salehi, H & Abdi, M (2022). The basic obstacles and crises of the Security Council in the management of international peace and security. *Crisis Management and Emergency Situations*, 15(4), 63–92.

موانع و بحران‌های اساسی شورای امنیت در مدیریت صلح و امنیت بین‌المللی

حمید صالحی^۱ | میلاد عبدی^۲

۴

سال چهاردهم
زمستان ۱۴۰۱

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۰۳
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۰۹/۱۳
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۰۵
تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۱۲/۲۸
صص: ۹۳-۶۳

شابا چاپی: ۲۰۰۸-۳۵۶۴
الکترونیکی: ۲۶۴۵-۵۲۸۵



چکیده

سازمان ملل متحد تنها سازمان میان دولتهاست که هدف اصلی آن حفظ صلح و امنیت جهانی است. این سازمان که پس از پایان جنگ جهانی دوم شکل گرفت، فراز و نشیب‌های فراوانی را پشت سر نهاد. با فروپاشی شوروی و پایان یافتن جهان دوقطبی، بسیاری از سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی دچار تحول شکلی و ماهوی شدند تا بتوانند خود را با شرایط و فضای جدید بین‌المللی سازگار نمایند. ضرورت سازگاری با شرایط جدید نظام بین‌الملل پس از جنگ سرد موجب شد بیشترین نگاهها به اصلاح ساختار شورای امنیت سازمان ملل متحد در خصوص بحران‌ها و ایجاد صلح، معطوف شود. روش تحقیق در این پژوهش، توصیفی-تحلیلی و روش جمع‌آوری اطلاعات نیز به شیوه کتابخانه‌ای یعنی بهره‌گیری از مطالعه اسنادی (کتاب، مجلات، مقالات معتبر داخلی و خارجی) است. در این راستا در پی پاسخ به این سؤال می‌باشیم که موانع و بحران‌های اساسی شورای امنیت در مدیریت صلح و امنیت بین‌المللی بعنوان هدف اصلی این سازمان چیست؟ که در پایان به این نتیجه می‌رسیم که حضور همیشگی اعضای دائم در شورای امنیت و برخورداری از حق نایاب و تو، و تضاد منافع میان اعضا دائم مانع اصلی برقراری و مدیریت صلح توسط شورا در عرصه بین‌المللی می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: شورای امنیت، حق و تو، مدیریت صلح، بحران.

۱. نویسنده مسئول: دانشیار علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی تهران، ایران
samanah.tahmasbi1368@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

استناد صالحی، حمید و عبدی، میلاد. (۱۴۰۱). موانع و بحران‌های اساسی شورای امنیت در مدیریت صلح و امنیت بین‌المللی. فصلنامه مدیریت بحران و وضعیت‌های اضطراری، ۱۴(۴)، ۹۳-۶۳.

مقدمه و بیان مسئله

مشاهده موارد نقض صلح جهانی از سوی دولت‌ها و گروه‌های مختلف و همچنین ساختار کلاسیک شورای امنیت سازمان ملل، محقق را بر آن داشت تا با توجه به جایگاه ویژه شورای امنیت در برقراری صلح جهانی، موانع اصلی را که سد راه این رکن مهم سازمان شده است را بررسی کند. محقق با ارائه راهکارهای پیشنهادی مجمع عمومی و ناکامی این طرح‌های پیشنهادی جهت اصلاح ساختار شورا، و همچنین تاثیر منفی حضور همیشگی اعضای دائم شورا در فلج ماندن تصمیمات شورا، به این نتیجه می‌رسد که ساختار کلاسیک و فرسوده شورای امنیت اولین و مهم‌ترین مانع بر سر راه عملی شدن اهداف شورا می‌باشد.

موفقیت‌های شورا در بسیاری از عملیاتی‌های صلح این سوالات را در نظر محققان روابط بین‌الملل به وجود آورد که دلایل ناکامی شورا در سایر عملیاتی‌های صلح چیست؟ شورای امنیت بعنوان رکن اجرایی سازمان ملل تا چه اندازه در تصمیمات خود استقلال عمل دارد؟ اعضای دائم شورای امنیت چگونه صلح جهانی را قربانی منافع خود می‌کنند؟ و مهم‌تر از همه فعالیت شورای امنیت تا چه زمانی به این روال ادامه دارد؟ تلاش برای پاسخگویی به این سوالات محقق را بر آن داشت که با مراجعه به کتب، مقالات، مجلات و سایتهای مختلف، پاسخ‌های قانع‌کننده‌ای در اختیار خواننده قرار بدهد.

این رساله با بررسی موانع و بحران‌های شورای امنیت در برقراری و مدیریت صلح، بعنوان سوال محوری رساله و همچنین بیان تلاشهای مجمع عمومی جهت اصلاح ساختار و تاثیر رقابت‌های بازیگران صحنه بین‌الملل در شکست این طرح‌ها، به این نتیجه می‌رسد که تسلط پارادایم واقع‌گرایی در سیاست بین‌الملل، نهادگرایی را به طور اعم و سازمان ملل را که نتیجه فعالیت‌های آرمانگرایان قرن بیستم است را به طور اخص، با چالش جدی روبرو کرده است.

بیان مسئله

شورای امنیت سازمان ملل متحد به عنوان یکی از ارکان اصلی این سازمان از بدو تاسیس تاکنون از سوی بسیاری از کشورهای عضو سازمان با انتقاد شدید روبه‌رو بوده است. کشورهای

معتراض، عضویت دائم قدرت‌های بزرگ را در این سازمان و همچنین برخورداری این اعضا از امتیاز نابرابر حق وتو را مخالف منشور سازمان، که حق برابری همه اعضا را ذکر کرده است، می‌دانند. تا کنون طرح‌ها و پیشنهادهایی برای تغییر ساختار شورای امنیت و همچنین عضویت اعضای دیگر در کرسی‌های اعضای دائم ارائه شده است که همه این طرح‌ها بدون نتیجه مانده‌اند. هدف اصلی شورا حفظ صلح و امنیت بین‌المللی می‌باشد و اختیارات شورا بر اساس فصل ششم و هفتم منشور ملل متحد ذکر شده است اما قدرت‌های بزرگ که اعضا دائم شورا را تشکیل می‌دهند، شورا را بیشتر به عنوان ابزاری در راستای عملی کردن اهداف و اقدامات خود به کار می‌گیرند و این امر نشان می‌دهد که شورا دارای استقلال عمل نمی‌باشد. هرچند که از بدو تاسیس تاکنون شورا در بسیاری از مسائل بین‌المللی مثبت عمل کرده است اما عملکردهای منفی شورا قابل چشم‌پوشی نیست و از پایان جنگ جهانی دوم تاکنون در بیشتر مسائل به صورت ننگاتیو عمل کرده است. بعنوان مثال سرنوشت میلیون‌ها انسان بی‌گناه در جنگ‌های چند دهه اخیر را حق وتوی اعضا دائم تعیین کرده است نه تصمیمات واقعی کل اعضای شورا. با توجه به مطالب گفته شده و اشکالات ساختاری شورا و همچنین عدم استقلال عمل این رکن از سازمان ملل متحد، بر آنیم که در این پژوهش موانع و چالش‌های شورای امنیت را در اجرای وظایف خود بررسی کنیم.

شورای امنیت

شورای امنیت یکی از ارگان‌های سازمان ملل متحد است که وظیفه پاسداری از امنیت و صلح بین‌المللی را به عهده دارد. بر اساس منشور سازمان ملل متحد، حیطه قدرت شورای امنیت شامل اعزام نیروهای پاسدار صلح، تصویب تحریم‌های بین‌المللی و اعطای اجازه استفاده از نیروی نظامی علیه کشورهای متخاصم است. تصمیم‌های این شورا به صورت قطعنامه‌های شورای امنیت اعلام می‌شود. شورای امنیت ۵ عضو دائم و ۱۰ عضو انتخابی دارد. ۵ عضو دائم این شورا در تصمیم‌ها و رای‌گیری‌های شورا حق وتو دارند. (همشهری آنلاین، ۱۳۸۷: ۱)

حق وتو

حق وتو در شورای امنیت سازمان ملل متحد حق وتویی است که به ۵ عضو دائمی شورای امنیت یعنی آمریکا، فرانسه، انگلستان، روسیه (پیش از ۱۹۹۱ شوروی) و چین داده شده تا از

تصویب هر پیش‌نویس در این شورا جلوگیری کنند. و تو اصطلاحی در زبان لاتین به معنای ممنوع می‌کنم است. این کلمه برای لغو یکطرفه یک قانون به کار می‌رود و به این ترتیب و توق قدرت نامحدودی است که می‌تواند سبب جلوگیری از (و نه تصویب) تغییرات خاص شود. حق و تو براساس اندیشه برتری صلح بر عدالت در اختیار ۵ عضو دائم شورای امنیت قرار گرفته است. (مهرداد عنادی، ۱۳۸۶: ۲۶)

مفهوم بحران

بحران را معادل واژه انگلیسی crisis در نظر می‌گیرند که ریشه یونانی آن Krisis به معنی نقطه عطف در بیماری است. تحلیل معنایی واژه بحران، گسترده‌گی معنای آن را می‌رساند. فرهنگ پیشرفته آریانپور واژه crisis را به معنای بحران، سرگشتگی، نقطه عطف، سختی و پریشان حالی معنا کرده است.

بحران وضعیتی است که نظم سیستم اصلی یا قسمت‌هایی از آن سیستم‌های فرعی را مختل کرده و پایداری آن را بر هم می‌زند؛ به عبارت دیگر، بحران حادثه‌ای است که در اثر رخدادها و عملکردهای طبیعی و انسانی به طور ناگهانی به وجود می‌آید و سختی و خسارت را به یک مجموعه یا جامعه‌ی انسانی وارد می‌کند و بر طرف کردن آن نیاز به اقدامات و عملیات اضطراری و فوق‌العاده دارد.

در تعریفی دیگر بحران

پیشامدی است که به صورت ناگهانی و گاهی فزاینده رخ می‌دهد و به وضعیتی خطرناک و ناپایدار برای فرد، گروه یا جامعه می‌انجامد. بحران باعث به وجود آمدن شرایطی می‌شود که برای برطرف کردن آن، نیاز به اقدامات اساسی و فوق‌العاده است. بحران‌ها بر حسب نوع و شدت متفاوتند. بحران یک فشارزایی بزرگ و ویژه است که باعث در هم شکسته شدن انگاره‌های متعارف و واکنش‌های گسترده می‌شود و آسیب‌ها، تهدیدها، خطرهای و نیازهای تازه‌ای به وجود می‌آورد.

سازمان‌های بین‌المللی و صلح

جامعه جهانی در شرایطی دهه اول قرن بیست و یک را پشت سر می‌گذارد که هنوز با چالش‌های جدی در زمینه دستیابی به صلح و عدالت اقتصادی و امنیت انسانی روبه‌روست. صلح در معنای جدید

خود به معنای هماهنگی در فعالیت‌های انسان می باشد حالتی که در آن همزیستی مسالمت آمیز و شرافتمندانه وجود دارد و جز ارزشمندترین و اصولی ترین نیازهای بشری است که در آن زندگی اجتماعی در توازن وجود دارد. امروزه همزیستی مسالمت آمیز یک حق و یک تکلیف است و ترویج فرهنگ جهانی عدم خشونت، صلح و برابری اولویت دارد. (منصوری، ۱۳۸۹: ۷).

صلح در نظام حقوق بین الملل اساسا صلح بین المللی است که به دلیل انعطاف در مفاهیم و اجزای صلح و ارتباط متقابل جوامع ملی با منافع جامعه بین المللی، ممکن است صلح محلی و ملی را نیز در برگیرد. عملکرد و تجربه کاری سازمان ملل متحد در اواخر قرن بیستم به خوبی نشان داده که با محدود شدن تدریجی صلاحیت‌های صرفا ملی به نفع صلاحیت‌های بین المللی، برخی موارد خشونت در درون اجتماعات ملی و حتی علیه پاره ای از اقشار جمعیت یک کشور ممکن است تهدیدی علیه صلح و امنیت بین المللی شمرده شوند. در اینجا مطرح می شود که صلح بین المللی نه صرفا ناظر بر صلح در روابط بین دولت‌ها بلکه متضمن وضعیت بهینه در روابط دولت‌ها و ملت‌ها و همچنین در روابط بین انسان‌ها نیز هست. امروزه اولویت جامعه بین المللی و حقوق حاکم بر آن، صلح فراگیر بین المللی و نه تنها منطقه ای بلکه جهانی است، صلحی که همه بازیگران بین المللی و ملت‌ها و تمدن‌های جامعه بشری را تحت پوشش قرار دهد. باید بشریت و جامعه بشری را شاخص تعیین کننده دامنه ی صلح دانست (ساعده، ۱۳۸۹: ۲۷).

سازمانهای بین المللی، سازمانهای غیر دولتی منطقه ای و جهانی از جمله بازیگران جدید در عرصه بین المللی محسوب می شوند. گروهی از سازمانهای بین المللی که در حوزه‌های مانند حقوق بشر، جنگ و صلح و ... فعالیت دارند تاثیر بیشتر و عمیق تری در تحول مفهوم صلح بر جای می گذارند. بازیگران فراملی اعم از دولتی یا غیر دولتی تاثیرات زیادی بر صلح و دگرگونی نحوه تامین آن دارند که از فعالیت آنها در برقراری صلح و امنیت در جهان صورت می گیرد (سرمرست، ۱۳۸۸: ۲۰۶).

سازمان ملل متحد که پس از جنگ جهانی دوم جایگزین جامعه ملل شد، بزرگترین سازمان بین المللی است که نقش اصلی را در حفظ صلح و تامین امنیت در جهان به عهده دارد. این سازمان که تبلوری از امنیت دسته جمعی است، سازمان بین دولتی محسوب می شود. این سازمان نقش موثری در برقراری امنیت و تامین صلح در جهان ایفا کرده است. برخی از این اقدامات

مستقیم مثل تشکیل گروه‌های صلح‌بانی در مناطق بحران زده و برخی از آنها غیر مستقیم بوده است. مانند تشکیل سازمانهای حقوقی و داوری برای حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات، ایجاد ساختارها، رژیم‌ها، قواعد و هنجارهای بین‌المللی مناسب برای تبادل اطلاعات، شفاف‌سازی امور و کاهش ابهام، مقابله با رفتارهای ناهنجار بازیگران در عرصه بین‌المللی و بلاخره فراهم آوردن بستری مناسب برای مدیریت جمعی منازعات به حفظ صلح و برقراری امنیت در جهان کمک می‌کند (همان: ۲۰۶)

موانع شورای امنیت و اصلاح ساختار شورای امنیت سازمان ملل متحد

بحث در مورد اصلاحات در ساختار شورای امنیت مربوط به افزایش اعضا و اصلاح آیین کار می‌شود که با توجه به توزیع مجدد قدرت جهانی، افزایش توان تاثیرگذاری برخی از بازیگران بین‌المللی، رشد و تقویت اتحادیه اروپایی، افزایش نقش برخی کشورها در عرصه بین‌المللی به خصوص کشورهای جنوب و ... ضروری به نظر می‌رسد. در این چارچوب گروه کاری تغییر ساختاری شورای امنیت « با جمع‌بندی دیدگاه‌های مشترک دولتهای عضو سازمان ملل » به این رهیافت رسیدند که نگاه مشترک دولتها به افزایش اعضای شورای امنیت با تاکید بر توزیع عادلانه گروههای جغرافیایی و همچنین افزایش قدرت اجرایی مجمع عمومی با هدف ایجاد موازنه شورای امنیت و مجمع عمومی بوده است.

با وجود فعالیت سازمان ملل در زمینه‌های مختلف، نقش آن در زمینه حفظ صلح و امنیت بین‌المللی نمایان تر است. این امر گرچه باعث شده که سازمان ملل به عنوان بازیگر پیچیده با نقش‌های مختلف تبدیل شود اما همچنان ارزیابی شکست و پیروزی آن مربوط به تلاشهای آن برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی می‌باشد. براین اساس نیز اکثر مباحث مربوط به اصلاح ساختار سازمان ملل، در مورد اصلاحات در شورای امنیت است. این مباحث زمانی مطرح شد که سازمان ملل به ویژه شورای امنیت یکی از بهترین دوره‌های خود را می‌گذراند. دخالت شورای امنیت در بحران کویت، سومالی و ... گرچه نشان از اجماع بین‌المللی برای حفظ صلح و امنیت داشت اما تغییر در واقعیات سیاست بین‌المللی، اصلاحات در شورای امنیت را ضروری می‌ساخت. (آقایی، ۱۳۸۳: ۱۲).

بطور کلی دلایل ضرورت اصلاح شورای امنیت را در چهار مورد می‌توان بیان کرد:

(۱) مطرح شدن مسایل امنیتی جدید پس از جنگ سرد: تغییر و تحولات امروزی عمدتاً در مسائل امنیتی رخ می‌دهند. این مسائل و مخاطرات جدید در عرصه بین‌المللی از آنجا که محصول ویژگی‌های دوران پس از جنگ سردند، دارای ماهیتی متفاوت هستند و از این رو برخوردی متفاوت را می‌طلبند. (آقای، ۱۳۸۳: ۱۳). اختلافات قومی، مذهبی، اقتصادی، اختلافات درون سرزمینی، تروریسم، مسئله خلع سلاح، فقر و... از جمله مسائلی هستند که باعث افزایش تقاضای بین‌المللی برای انواع خدمات سازمان و گسترش اولویتهای سازمان ملل شده است. در این میان نقش نهادهای بین‌المللی بویژه شورای امنیت سازمان ملل در جهت ایجاد یک هماهنگی بین‌المللی در مواجهه با این تهدیدات نوین از اهمیتی بالا برخوردار است و به همین خاطر ضرورت دارد با انجام اصلاحات لازم توانایی خود را در این راستا ارتقا بخشد (بعیدی نژاد، ۱۳۸۵، ۸).

(۲) پایان جنگ سرد و برهم خوردن نظام دو قطبی: شکل بندی نظام روابط بین‌الملل پس از جنگ جهانی دوم به صورت دو بلوک شرق و غرب و تعارضات سیاسی-ایدئولوژیکی باعث شد که توازن موجود در شورای امنیت به توازن سخت تبدیل شود و سازمان ملل نیز تحت تأثیر این رقابت از هر گونه تصمیم‌گیری و ایفای نقش موثر باز می‌ماند. با توجه به این وضعیت سازمان ملل در دوران دو قطبی به سازمانی تابع و فاقد نقش و عملکرد موثر بین‌المللی برای حل و فصل بحرانها بود (قاسمی، ۱۳۸۵، ۱۵-۲۲).

اما پایان جنگ سرد و فروپاشی شوروی، برخورد‌های ایدئولوژیک بین دو بلوک در سطح کلان را خاتمه داد و اقتصاد به مهمترین مؤلفه این نظام تبدیل شد. بلوک بندی‌هایی که در درون این سیستم در حال شکل‌گیری می‌باشند، بجای آنکه دارای ماهیت سیاسی یا نظامی باشند، دارای ماهیت اقتصادی‌اند و این امر موجب تغییر در نظام توزیع قدرت شده است، به موازات این امر قدرتهای اقتصادی نو ظهور خواستار ایفای نقش مؤثرتر در شورای امنیت و اصلاح آن هستند (دوستی، ۱۳۸۶، ۳۷).

(۳) افزایش توان تأثیرگذاری برخی از بازیگران بین‌المللی: سازمانها اغلب محصول و نتیجه اوضاع و شرایط بین‌المللی هستند به عبارت دیگر نوع ساختار و توزیع قدرت در درون سازمان، بیانگر ساختار و توزیع قدرت در صحنه سیاست بین‌المللی است. ترکیب فعلی شورای امنیت

بیانگر واقعیات سیاسی پس از جنگ جهانی دوم است و با توجه به تغییراتی که در سطح نظام بین‌الملل با فروپاشی شوروی رخ داده شورای امنیت دیگر منعکس‌کننده واقعیات ژئوپلیتیک جدید نیست و قدرتهای نو ظهور در صحنه سیاست بین‌المللی خواستار ایفای نقشی موثر در صحنه بین‌المللی و سازمان ملل هستند.

در میان بازیگران قدرتمند جدید، ژاپن، آلمان، هند و برزیل از برجسته‌ترین بازیگرانی هستند که خواستار اصلاحات در شورای امنیت متناسب با توزیع قدرت پس از جنگ سرد می‌باشند (ترابی، ۱۳۸۵). در این میان دو کشور ژاپن و آلمان به دلیل نقش آنها در اقتصاد بین‌المللی و تأمین بودجه سازمان ملل از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند. در دوران جنگ سرد رویارویی آمریکا و شوروی در یک رقابت همه‌جانبه بویژه مسابقه پرتیر تسلیحاتی و گسترش چتر حمایتی دفاعی - امنیتی از سوی آنها در گستره ای جهانی همراه با دیگر عوامل مساعد موجب گردید که بازیگران یاد شده بویژه آلمان و ژاپن در پناه چتر حمایتی آمریکا، آسوده از ورود در رقابتهای تسلیحاتی و فارغ از افزایش توان دفاعی خود، توان اقتصادی و نیز سهم خود از بازار تجارت جهانی را بطور چشمگیری توسعه بخشند. اما آنها نمی‌توانستند و تا حدی نیز نمی‌خواستند در جهت افزایش نقش سیاسی خود در جامعه جهانی گامهای بلند بردارند، تا جایی که آنها به غولهای اقتصادی و کوتوله‌های سیاسی معروف شدند (شاکریان، ۱۳۷۴).

هند و برزیل نیز به همراه آلمان و ژاپن از نامزدان اصلی عضویت دائم در شورا هستند. این دو کشور خود را از جمله قدرتهای عمده منطقه ای می‌دانند که با توجه به پیشرفتهای اقتصادی و جمعیت زیاد خود را شایسته عضویت دائم در شورای امنیت می‌دانند. این کشورها همچنین با توجه به نقش فزاینده جنوب در روابط بین‌الملل با توجه به ملاکهای مانند قدرت سیاسی - اقتصادی، همگرایی‌های منطقه ای، جمعیت مشارکت در حفظ صلح و توزیع عادلانه جغرافیایی خود را از دولتهای تأثیرگذار در این گروه می‌دانند که به همراه دیگر کشورها مانند اندونزی، مصر و نیجریه بیش از دیگران بر اساس یک ائتلاف ناپیدا برای رسیدن به این هدف تلاش می‌کنند (ترابی، ۱۳۸۵).

۴) نیاز به نمایندگی عادلانه در شورای امنیت: بر طبق بند ۱ ماده ۲۴ منشور ملل متحد، شورای امنیت به نمایندگی از اعضای ملل متحد مسئولیت اولیه حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را برعهده

دارد (۱). گرچه طبق ماده ۲۵ منشور، اعضا موظف به پذیرش تصمیمات شورا هستند اما مبانی نظریه نمایندگی لزوم تناسب بین اعضا و نمایندگان را ایجاب می‌کند. اصلی که با افزایش اعضای سازمان ملل اعتبار آن متزلزل شده است. سازمان ملل در بدو تشکیل آن در کنفرانس سانفرانسیسکو ۵۱ عضو داشت که در ۱۹۶۳ که اولین اصلاحات در شورا صورت گرفت به ۱۱۴ عضو افزایش یافت و امروزه سازمان ملل شامل ۱۹۲ عضو است. (Weiss, 2003, 147).

به لحاظ کمی نسبت اعضای شورای امنیت به کل اعضای سازمان ملل از یک به پنج به یک به ۱۳ کاهش یافته و نسبت اعضای دائمی شورا به کل اعضاء از یک به ۱۰ به یک به ۳۸ کاهش یافته است (اسلامی، ۱۳۸۵، ۲۹).

به لحاظ کیفی هم اعضای دائم را به سختی می‌توان نماینده جامعه بین الملل دانست. کاهش قدرت فرانسه، انگلیس و روسیه همراه با ظهور قدرتهای جدید، تغییر در ترکیب شورای امنیت را ضروری کرده است. طرفداران افزایش اعضای شورای امنیت معتقدند که افزایش اعضای شورا باعث می‌شود که تصمیمات آن مورد پذیرش اعضای بیشتری قرار گیرد و از این طریق مشروعیت و اثر بخشی شورا افزایش می‌یابد (آقای، ۱۳۸۴، ۱۰۸).

در روند اصلاح ساختار شورای امنیت، مخالفان افزایش تعداد اعضای شورا که عمدتاً از کشورهای غربی، عضو دائم شورا هستند و از عواقب اصلاح منشور در هراسند، ساکت ننشستند و تغییر تعداد اعضا را باعث کاهش کارایی شورا دانسته‌اند و معتقدند هر نوع تلاش برای افزایش اعضای دائم اعم از اینکه دارای حق وتو باشند یا صرفاً عضویت دائم را بپذیرند، موجب می‌شود که دگر اعضا را وسوسه کند. اینان معتقدند که وجود حق وتو مانع تصمیم‌گیریها نیست و در برابر ایراد و مخالفت مخالفان حق وتو، شورای امنیت آن را نشانه تفاهم اعضا و کارایی شورای امنیت می‌داند، اما در مجموع منطق و فشار کشورهای طرفدار افزایش تعداد اعضای شورای امنیت به گونه‌ای است که کشورهای مخالف نتوانسته‌اند بر مواضع خود پافشاری کنند و بر آن اصرار ورزند. (آقای، ۱۳۸۲، ۵۲).

در این بین در خصوص عضویت کشورهایی به صورت دائم در شورای امنیت نیز ۴ کشور، هند، برزیل، آلمان و ژاپن درخواست عضویت کرده‌اند. به عبارت دیگر با عضویت این ۴ کشور در شورای امنیت، سیکل بسته شورای از اعضا در ۵ دولت بهبود یافته و در واقع گشایشی در این

مسیر دیده می‌شود. ژاپن دومین اقتصاد جهانی را با تولید ناخالص داخلی بیش از ۴/۵ تریلیون دلار، آلمان سومین اقتصاد جهان و اولین اقتصاد اروپا را با تولید ناخالص داخلی حدود ۳ تریلیون دلار و هند دومین کشور جهان از حیث جمعیت و برزیل به عنوان قدرتمندترین اقتصاد آمریکای لاتین با تولید ناخالص داخلی بیش از ۶۰۰ میلیارد دلار و جمعیتی عظیم، از حیث قدرت و شایستگی کسب کرسی دائم شورای امنیت منطق قابل اقتناعی ارائه می‌دهند، اما در این راستا با چالشهایی روبه‌رو هستند که به عبارت بهتر دو نوع مخالفت مسیر عضویت این کشورها را به چالش می‌کشد:

۱- مخالفت از جانب ۵ دولت کنونی دارای حق وتو

۲- مخالفت از جانب دولتهای رقیب منطقه‌ای این کشورها

اما در این میان بسیاری نگرانند که با افزایش تعداد اعضای دائم شورای امنیت، توازن شورا به هم بریزد. بنابراین شاهد هستیم که روند کنونی طرح اصلاحات شورای امنیت با کاستی و کندی به پیش می‌رود چون با منافع حیاتی قدرتهای بزرگ منافات دارد. (www.did.tisri.org.ir).

بنابراین باید گفت که کشورهای در حال توسعه نیز تلاش‌های گسترده‌ای برای احراز نمایندگی عادلانه در شورای امنیت انجام داده‌اند. گروهی از دولت‌های تاثیرگذار در این گروه‌بندی، با توجه به نقش آفرینی بیشتر در روابط بین‌الملل، سعی دارند با تاکید بر ملاک‌هایی همچون قدرت سیاسی و اقتصادی، همگرایی‌های منطقه‌ای، جمعیت زیاد و مشارکت در حفظ صلح و توزیع عادلانه جغرافیایی خود را در گروه اعضای دائم شورای امنیت جای دهند. هند، برزیل، اندونزی، مصر و نیجریه بیش از دیگران با تکیه بر ملاک‌های مذکور با انجام یک ائتلاف آشکار برای دستیابی به این هدف تلاش می‌کنند (شاکریان، ۱۳۷۴: ۱۰۲۲). ورود چین به شورای امنیت به عنوان یکی از ۵ عضو دائمی را می‌توان در زمره این تلاش‌ها محسوب کرد. کشورهای عضو جنبش عدم تعهد به عنوان یک مجموعه در راستای حمایت از عضویت دائم کشورهای دیگری غیر از کشورهای کنونی دارای امتیاز وتو، گام برداشته‌اند. به عنوان مثال می‌توان به اعلامیه سیاسی اجلاس ۱۹۷۶ سران در «کلمبو» اشاره کرد که در آن آمده بود: «کنفرانس از این که یک کشور عضو به واسطه سوء استفاده از قدرت وتو از پذیرش کشورهایی که کاملاً واجد شرایط

احراز چنین مقامی هستند جلوگیری کرده بود، عمیقاً اظهار تاسف کرد (ثقفی عامری، ۱۳۷۶: ۲۲-۲۱).

در اجلاس ژوئن ۲۰۰۵ (خرداد ۱۳۷۶) وزرای خارجه کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی (سازمان همکاری اسلامی امروز) خواستار یک کرسی دائمی برای کشورهای مسلمان در شورای امنیت شدند. کشورهای غربی دلایل مضحک و بعضاً شرم آوری را برای مخالفت با نه تنها تقاضای سازمان همکاری اسلامی که حتی به طور کلی با عضویت یک کشور مسلمان به شرح زیر اقامه کرده اند:

بحران خاورمیانه: با فروپاشی امپراطوری عثمانی و تقسیم خاورمیانه توسط پیروزیهای جنگ اول جهانی، این منطقه دچار درگیری دائمی است و لذا اعطای حق وتو به یک عضو دائم مسلمان امری خطرناک است؛

سازمان ملل را در برابر تحولات خاورمیانه به طور خاص و مرزهای کشورهای اسلامی به طور عام، عقیم می سازد؛

هیچ کدام از کشورهای مسلمان خاورمیانه دمکراتیک نیستند؛
اگر قرار است دین ملاک قرار بگیرد، باید سایر ادیان بودایی، هندو، یهودی، سیک و ... نیز نماینده داشته باشند.

تنها اصلاح مهم در شورای امنیت در سال ۱۹۶۵ بود، که با افزایش اعضای سازمان ملل از ۵۱ عضو در بدو تأسیس به ۱۱۴ عضو در سال ۱۹۶۳ طی قطعنامه‌ای اعضای غیر دائم شورا امنیت، از ۶ عضو به ۱۰ عضو افزایش یافت. اما این قطعنامه حق وتو را همچنان برای ۵ عضو دائمی حفظ کرد (شاکیان، ۱۳۷۴، ۴۹).

پیشنهاد دیگر برای تغییر در شورای امنیت در سال ۱۹۷۹ توسط هند ارائه شد که افزایش اعضای غیردائم را از ۱۰ به ۱۴ عضو خواستار بود. در آن زمان همه اعضای شورای امنیت (به استثنای چین) با هر گونه افزایشی در تعداد اعضای غیر دائم مخالفت کردند. با مخالفت سرسختانه ایالات متحده آمریکا، انگلستان و فرانسه این مسئله به طور جدی در مجمع عمومی مطرح نشد و طی چند سال اهمیت خود را از دست داد (سیمبر، ۲۱، ۱۳۷۴-۴۴).

تحوالات پس از انتقال عراق و تصویب قطعنامه در مورد رفع تحریم‌های عراق و واگذاری اختیارات مالی و اداری عراق به ایالات متحده، دوباره توجهات را به سازمان ملل افزایش داد. اما این بار همه اعضای سازمان در مورد اصلاحات در سازمان ملل و شورای امنیت متفق القول بودند. کشورهای طرفدار گسترش شورا خواهان افزایش مشروعیت و کارآیی آن بودند. روسیه، فرانسه و چین خواهان افزایش نقش سازمان ملل بوده و سعی داشتند با ایجاد تحول در شورا و تقویت آن محدودیتهایی را برای یکجانبه گرایی ایالات متحده ایجاد کنند. ایالات متحده نیز خواستار اصلاحات ساختاری در سازمان ملل و شورای امنیت مطابق با هژمونی گرایی خود بود که بتواند از آن به عنوان ابزاری جهت مشروعیت بخشیدن به اقدامات خود استفاده کند.

علی رغم اتفاق نظر تمام اعضای سازمان ملل برای اصلاحات در شورای امنیت بدلیل شرایط و ویژگیها و منافع متفاوت دولتها، طرحهای متفاوتی از سوی گروههای مختلف ارائه شده است از جمله دو مدل الف و ب گروه کاری شانزده نفره، مدل گروه چهار (۴G)، مدل ارائه شده توسط گروه اتحاد برای اتفاق، مدل ارائه شده توسط اتحادیه آفریقا، مدل کرسیهای مضاعف، مدل X، مدل فلیپ.اچ. گوردون و... .

در بین مدل‌های ارائه شده، مدل ارائه شده توسط گروه ۴، مدل‌های الف و ب گروه کاری شانزده نفره، مدل گروه اتحاد برای اتفاق و مدل اتحادیه آفریقا نسبت به بقیه مدل‌ها توجهات بیشتری به خود جلب کرده اند.

— طرح گروه ۴: این گروه شامل آلمان، ژاپن، برزیل و هند است که در پنجاه و نهمین نشست سران مجمع عمومی، رهبران این چهار کشور موافقت کردند که از عضویت دائم یکدیگر در شورای امنیت حمایت کنند. طرح این گروه طی قطعنامه پیشنهادی در ۶ جولای ۲۰۰۵ در اختیار مجمع عمومی قرار گرفت. در این مدل با افزایش ۶ کرسی دائم و ۴ کرسی غیردائم شمار اعضای شورای امنیت به ۲۵ عضو افزایش می‌یابد. از ۶ کرسی دائم، قاره آفریقا و آسیا هر کدام ۲ کرسی و به گروه اروپای غربی و سایرین ۱ کرسی و به امریکای لاتین و حوزه کارائیب نیز یک کرسی تعلق می‌گیرد. توزیع ۴ کرسی غیردائم نیز به این صورت است که آفریقا، آسیا، اروپای شرقی و آمریکای لاتین و حوزه کارائیب هر کدام یک کرسی (امیری وحید، ۱۳۸۴: ۵۲).

__ طرح اتحادیه آفریقا: اتحادیه آفریقا بر تأمین حق مشروع آفریقا براساس موقعیت جغرافیایی شان و اینکه هرگونه اصلاحاتی در سازمان ملل باید تمام ارکان آن از جمله شورای امنیت را در بر گیرد، تأکید می‌کنند. در این قاره مصر، آفریقای جنوبی و نیجریه جلودار مدعیان عضویت دائم در شورای امنیت هستند. طبق طرح این اتحادیه با افزایش ۶ کرسی دائم با حق وتو و ۵ کرسی غیردائم اعضاء شورا را باید به ۲۶ عضو رساند. از ۶ کرسی دائم به آسیا و آفریقا هر کدام ۲ کرسی و به گروه اروپای غربی و سایرین و نیز امریکای لاتین و حوزه کارائیب هر کدام یک کرسی. در توزیع ۵ کرسی غیردائم نیز آفریقا ۲ کرسی و آسیا، اروپای شرقی، امریکای لاتین و حوزه کارائیب هر کدام یک کرسی باید داشته باشند (Okumu, ۲۰۰۵).

__ طرح‌های گروه کاری بدون محدودیت: این گروه کمیته ۱۶ نفری است که توسط دبیر کل در سال ۲۰۰۳ تشکیل شده در گزارش ۹۶ صفحه‌ای این گروه که با عنوان «آزادی بیشتر: به سوی توسعه، امنیت و حقوق بشر برای همه» توسط کوفی عنان منتشر شد در بخش گسترش شورای امنیت دو طرح ارائه شده، هر دو طرح ناظر به افزایش اعضای شورای امنیت به ۲۴ عضو است که با عنوان مدل‌های الف و ب مطرح شده‌اند. در مدل الف شش کرسی دائمی بدون وتو و سه کرسی تازه غیردائم و دوساله پیش‌بینی شده است. در توزیع کرسی‌های دائم دو کرسی به آفریقا، دو کرسی به آسیا و اقیانوسیه، یک کرسی دائم به اروپا و یک کرسی دائم نیز به قاره آمریکا تعلق می‌گیرد. براساس این طرح توزیع کرسی‌های غیردائم دوساله تازه و کنونی به صورت زیر خواهد بود:

چهار کرسی برای قاره آفریقا، سه کرسی برای قاره آسیا و اقیانوسیه، دو کرسی برای اروپا و چهار کرسی برای آمریکا، در این طرح تمام سیزده کرسی غیردائم، دوساله و تجدید نشدنی خواهد بود (یزدانی و دوستی، ۱۳۸۷-۳۲).

در مدل ب هیچ کرسی دائم پیش‌بینی نشده است اما گروه تازه‌ای از هشت کرسی تجدید شدنی چهارساله و یک کرسی تازه غیردائم و تجدید نشدنی دو ساله که بین حوزه‌های منطقه‌ای مهم تقسیم خواهد شد ایجاد می‌شود. بر پایه مدل ب توزیع کرسی‌های چهار ساله تجدید شدنی این گونه خواهد بود که به هر حوزه منطقه‌ای (آفریقا، آسیا و اقیانوسیه، اروپا و آمریکا) دو کرسی اختصاص می‌یابد. بر پایه این طرح توزیع کرسی‌های غیردائم و تجدید نشدنی دوساله اینگونه

خواهد بود که به حوزه منطقه‌ای آفریقا چهار کرسی، به آسیا سه کرسی، به اروپا یک کرسی و به آمریکا سه کرسی تعلق می‌گیرد (یزدانی و دوستی، ۱۳۸۷-۳۲).

_ طرح‌های «گروه اتحاد برای اتفاق [۳]: آرژانتین، ایتالیا، پاکستان، مکزیک، کانادا، کره جنوبی، اسپانیا و ترکیه در برابر گروه ۴، گروه اتحاد برای اتفاق را تشکیل داده‌اند. به نظر این گروه طرح گروه ۴ برای افزایش شمار اعضای شورای امنیت تبعیض آمیز است و هژمونیهای سطحی در سراسر جهان ایجاد می‌کند که در کار شورای امنیت اخلال و کندی ایجاد خواهد کرد. این گروه معتقد است که هرگونه گسترش در شورای امنیت باید آن را دموکراتیک‌تر، شفاف‌تر، موثرتر و پاسخگوتر کند.

ایجاد فرصت‌های شورای امنیت در خصوص مدیریت صلح

سازمان ملل متحد با ۱۹۲ عضو کنونی خود، ماهیتی بین‌المللی دارد. اکثر کشورهای عضو ملل متحد خواهان اعمال اصلاحات در ساختار این سازمان، به ویژه در ساختار شورای امنیت هستند. زمانی که ملل متحد تشکیل شد، فقط ۵۱ عضو داشت که از این تعداد پنج کشور به صورت دائمی و با امتیاز حق و تو عضو شورای امنیت بودند. با گذشت بیش از شصت سال و با چند برابر شدن اعضا، همچنان ترکیب اعضای دائمی شورای امنیت تغییری نکرده است و اساس بحث اصلاحات این است که ساختار کنونی شورای امنیت واقعیت‌های کنونی جهان را منعکس نمی‌کند.

شورای امنیت برای اینکه نماینده ملل متحد در زمینه صلح و امنیت باشد، می‌بایست با توجه به واقعیت‌های موجود، ضمن ترمیم تعداد اعضای خود، در شیوه رفتار خود نیز تغییر ایجاد کند. ساختار شورای امنیت باید بیشتر از گذشته حالتی دموکراتیک داشته باشد و قدرت‌های جدید در عرصه بین‌المللی را که در صلح و امنیت وضعیت کنونی جهان نقش ایفا می‌کنند، نیز در خود جای دهد. این شورا باید اراده ملت‌های کوچک و بزرگ را منعکس کند تا بتواند با مشروعیت و مقبولیت بیشتری در راستای صلح و امنیت جهانی اقدام کند.

طی دهه ۱۹۹۰ و سال‌های آغاز هزاره سوم، شورای امنیت فراتر از موضوعات صرفاً امنیتی و سیاسی همچون تروریسم، سلاح‌های کشتار جمعی و عملیات حفظ صلح، به موضوعات فراگیری همچون بیماری‌های ایدز، تغییر آب و هوا، فعالیت‌های زیست‌محیطی و خشونت علیه زنان در درگیری‌های مسلحانه وارد شده است. با توجه به افزایش نقش شورای امنیت و توان جدید

اجرائی آن پس از پایان جنگ سرد، نه تنها زمینه طرح موضوعات مورد علاقه کشورها در شورای امنیت فراهم شد، بلکه ورود شورای امنیت به عنوان رکنی مؤثر و در عین حال غیر دموکراتیک به حوزه‌هایی که تحت انحصار مجمع عمومی بود و به همین دلیل امکان مشارکت در تصمیم‌گیری برای کلیه کشورها وجود داشت، به یک معمای عمده مشروعیت در برابر کارآمدی برای جامعه جهانی تبدیل شد. (امین و عظیمی، ۱۳۹۲: ۱۷۷)

چنین رویکردی نسبت به شورای امنیت، مدعیان جدیدی را در ایفای نقش جهانی به وجود آورد. به عبارت دیگر، افزایش کارآمدی شورای امنیت و ورود آن به حوزه‌هایی که در گذشته به دلیل فقدان یا اختلافات میان ابرقدرت‌ها ممکن نبود، موجب شکل‌گیری این احساس در میان کشورها شد که تصمیم‌گیری‌های اساسی‌تر در شورای امنیت صورت می‌گیرد و بنابراین تمایل برای حضور در شورای امنیت بیش از پیش افزایش یافت. علاوه بر این، هماهنگی بیشتر میان اعضای دائم شورای امنیت، مؤید این امر بود که کشورها تنها در صورتی می‌توانند در تصمیم‌گیری‌های شورای امنیت نقش داشته باشند که بتوانند به عنوان عضو دائم شورای امنیت عمل کنند، در غیر این صورت به عنوان گروهی دنباله‌رو محسوب خواهند شد.

بنابراین نگاه جدید به شورای امنیت، ساختار فعلی آن را بر نمی‌تابد، از اینرو لزوم تغییرات اساسی در ملل متحد و به ویژه شورای امنیت بر این فرض مبتنی است که آنچه موجب ناتوانی ملل متحد شده است، دست کم در بخشی از زمینه‌ها ناشی از کاستی‌هایی است که در ساختار این سازمان وجود دارد. حضور دائمی پنج کشور قدرتمند و در مقابل ده عضو غیر دائم انتخابی به صورت متوالی طی دو سال، کشورهای دیگر را بر آن ساخت تا انتقادهای خود را متوجه ساختار شورای امنیت سازند.

طبق ماده ۲۳ منشور، کرسی‌های شورای امنیت باید بر اساس توزیع عادلانه به لحاظ جغرافیایی تقسیم شود، اما عملاً در طول سال‌های گذشته، جغرافیای سیاسی جای خود را به جغرافیای فیزیکی داده است. در حال حاضر هیچ کشوری از امریکای لاتین و آفریقا از کرسی دائم برخوردار نیست. امریکای لاتین با بیش از پانصد میلیون نفر جمعیت، کشورهای تأثیرگذاری همچون مکزیک، برزیل و آرژانتین را در خود جای داده است. آفریقا با داشتن ۵۳ کشور عضو در ملل متحد به عنوان نخستین منطقه دارای بیشترین کشورهای عضو در ملل متحد و دومین منطقه

بزرگ از لحاظ جمعیتی محسوب می‌شود. آسیا نیز تقریباً بیش از نیمی از جمعیت جهان را در خود دارد اما چین تنها کشور آسیایی است که دارای کرسی دائم در شورای امنیت می‌باشد. (امین و عظیمی، ۱۳۹۲: ۱۷۸)

چین همواره از اصلاحات شورای امنیت سازمان ملل پشتیبانی می‌کند و معتقد است در این اصلاحات، افزایش تعداد کشورهای در حال توسعه به ویژه افزایش حق اظهار نظر کشورهای آفریقایی باید پیش از موضوعات دیگر تحقق یابد تا کشورهای بیشتر به ویژه کشورهای متوسط و کوچک بتوانند به شورای امنیت پیوسته و فرصت مشارکت در تصمیم‌گیری و ایفای نقش بیشتر در این شورا داشته باشند. اصلاحات شورای امنیت به هماهنگی و مشورت وسیع کشورهای عضو سازمان ملل نیاز دارد. این اصلاحات باید بر اساس اصل اتحاد و همبستگی انجام شود. (CRI, 2014: 1)

حضور برخی از قدرت‌های انحصارطلب در شورای امنیت مانع از انجام وظایف اصلی این شورا در پاسداری از صلح، امنیت و برپایی عدالت شده است. حضور کشورهای مستقل و دارای ظرفیت‌های مناسب می‌تواند به افزایش کارایی شورا در دفاع از حقوق اعضای سازمان ملل متحد کمک کند.

با وجود اینکه بیش از شصت سال از تاسیس سازمان ملل و شورای امنیت می‌گذرد قریب به دو سوم از کشورهای عضو این سازمان حتی برای یک بار هم فرصت حضور در شورا را پیدا نکرده یا فقط یک بار برای مدت دو سال عضو غیردائم این شورا بوده‌اند، که این نشانگر ناعادلانه و غیرمنصفانه بودن حضور کشورهای مختلف در این شورا است. (ریانووستی، ۱۳۸۷: ۱)

بحران‌های پیش روی شورای امنیت در خصوص صلح

اصلاحات در سازمان ملل و شورای امنیت نمی‌تواند بدون توجه به توزیع قدرت و ساختار نظام بین‌الملل صورت گیرد. نوع توزیع قدرت در نظام بین‌الملل به دو صورت موانعی را در برابر اصلاحات سازمان ملل و شورای امنیت ایجاد کرده است. تعدادی از این موانع ناشی از ساختار خود سازمان ملل متحد (اعضای دائمی شورای امنیت و حق وتوی آنها) و تعدادی ناشی از واقعیت‌های سیاسی خارج از سازمان ملل (رقابتهای منطقه‌ای، فقدان اجماع نظر میان طرفداران اصلاحات شورای امنیت و...) است.

(۱) ساختار سازمان ملل: موانع موجود در ساختار سازمان ملل برای اصلاحات در سازمان

ملل را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد:

دیدگاه‌های اعضای دائم شورای امنیت

الف- ایالات متحده آمریکا: قدرت و جایگاه ایالات متحده پس از فروپاشی شوروی در ابعاد سیاسی، اقتصادی، نظامی به گونه‌ای است که هیچ یک از رقیبان را توان مقابله با آن نیست. حمله آمریکا به عراق نشان بارز این تواناییهای آمریکا بود که علی‌رغم عدم تأیید توسط شورای امنیت صورت گرفت. در واقع آمریکا با توجه به منافع و اهداف خود و اینکه سازمان ملل تا چه حد می‌تواند به عنوان ابزاری برای رسیدن به این اهداف باشد به سازمان ملل توجه می‌کند. این دیدگاه بعد از ورود نومحافظه کاران به کاخ سفید تقویت شد، بطوری که جرج بوش بعد از حوادث ۱۱ سپتامبر با الهام از عقاید نومحافظه کاران مدعی شد که شورای امنیت در مواردی که منافع قدرت‌های بزرگ ایجاب می‌کند، نباید تأکید ویژه‌ای بر حفظ هنجارها و مقررات جهانی داشته باشد (ترابی، ۱۳۸۵)، در مورد اصلاحات شورای امنیت آمریکا بطور کلی معتقد است که موقعیت اعضای دائمی فعلی باید حفظ شود و اصلاحات در شورای امنیت و سازمان ملل نباید به کارایی آن ضربه بزنند. بر این اساس آمریکا به سه دلیل با طرح‌های ارائه شده مخالفت کرده است: ۱- دولت آمریکا معتقد است که اصلاحات شورا باید بدنبال تکمیل دیگر اصلاحات سازمان ملل باشد. ۲- ایالات متحده با طرح‌های ارائه شده برای گسترش شورای امنیت تا ۲۵ یا ۲۶ عضو مخالف است و گسترش شورا حداکثر تا ۱۹ و ۲۰ عضو را می‌پذیرد و تمایل به بررسی طرح‌هایی با دو سه عضو دائم و دو یا سه عضو غیردائم و منتخب توسط مناطق را دارد. در بین نامزدان، آمریکا ابتدا از عضویت ژاپن و آلمان حمایت می‌کرد و سعی داشت با جلب مشارکت آنها در چالش‌های جهانی از بار مسئولیتهای خود بکاهد. اما به علت مخالفت آلمان با حمله آمریکا به عراق، آمریکا فعلاً فقط از عضویت دائم ژاپن حمایت می‌کند. ۳- سوابق رأی دهی نیز از جمله مواردی است که آمریکا در تعیین نامزدهای عضویت مد نظر قرار می‌دهد. سوابق رأی دهی پنج کشور خواهان عضویت دائم نشان می‌دهد در بیش از ۷۰٪ مواقع علیه موضع آمریکا رأی داده‌اند. میزان رأی موافق پنج کشور بین ۱۹۹۹-۲۰۰۴ بشدت کاهش یافته بطوری که آلمان از ۷۰٪ رأی موافق به ۳۵٪، ژاپن از ۶۳٪ به ۴۳٪، برزیل از ۲۹٪ به ۱۵٪ و آفریقای جنوبی از ۴۰٪ به ۱۱٪ کاهش یافته و

هند که بطور پیوسته طی پنج سال گذشته ضد آمریکا رأی داده است (Gordiner and Brett, ۲۰۰۷).

ب_ روسیه: روسیه از ابتدا خود را مخالف هرگونه افزایش اعضای شورای امنیت نشان داده است و سعی دارد با توجه به حق وتوی خود در شورای امنیت، که هرگونه تغییری نیاز به رأی موافق همه اعضای دائم آن دارد، خود را عمده‌ترین سد راه افزایش اعضای شورا جلوه دهد. روسها به آلمان و ژاپن به چشم توانمندان اقتصادی- مالی نگاه می‌کنند که باید تا حدی بار مالی و هزینه‌های تبدیل شوروی به روسیه را تقبل نمایند، از سوی دیگر روسها با ژاپنی‌ها بر سر جزایر کوریل اختلافات حل نشده دارند که سعی می‌کنند از آنها به عنوان ابزاری برای چانه زنی استفاده کنند. براین اساس دولت روسیه بدون اشاره به افزایش اعضای شورای امنیت، خواهان یافتن راه و روشهایی برای تقویت شورای امنیت به عنوان نهاد مرکزی سازمان ملل متحد است که عهده دار اصلی حفظ صلح و امنیت بین‌المللی می‌باشد (شاکریان، ۱۳۷۴).

ج_ چین: چین با حمایت از اصلاحات در سازمان ملل سعی در شکل دهی به چند جانبه گرایی و موازنه قدرت است، اما از اینکه با عضویت کشورهایی توسعه یافته شورای امنیت تبدیل به باشگاه ثروتمندان شود نگران است. علاوه براین چین به دلیل مسایل ژئوپلیتیکی مخالف عضویت ژاپن و هند در شورای امنیت است، این امر باعث شد که چین تلاش گسترده‌ای علیه پیش نویس قطعنامه ارائه شده از سوی گروه ۴ با هدف جلوگیری از عضویت ژاپن در شورا انجام دهد. به دنبال آن چین سعی کرد با نزدیک شدن به گروه اتحاد برای اتفاق تلاش گسترده‌ای را برای اعمال نفوذ بر کشورها به ویژه در آفریقا و آسیا، برای جلوگیری از حمایت آنها از پیش نویس مذکور به عمل آورد. (حاتمی، ۱۳۸۴: ۹).

د_ انگلستان و فرانسه: برخلاف سه کشور قبلی فرانسه از عضویت دایم ۶ کشور و از جمله آلمان حمایت می‌کند. چرا که شورای امنیت بزرگتر مشروعیت بیشتری خواهد داشت و اعضای جدید از جمله آلمان، برزیل، هند و دو کشور آفریقایی جانب فرانسه را خواهند گرفت. همچنین فرانسه و انگلستان متوجه هستند که مخالفت با عضویت آلمان، روابط میان لندن، پاریس و برلین را تیره خواهد کرد و منجر به فشار برای کسب کرسی دائم به نفع اروپا و نه فرانسه و انگلیس خواهد شد (گوردون، ۱۳۸۴).

۲) مشکل تصویب

مانع دیگری که ناشی از ساختار سازمان ملل است مشکل تصویب طرح اصلاحات در مجمع عمومی و شورای امنیت است. چرا که طبق منشور سازمان ملل هرگونه تغییری نیازمند رأی اکثریت اعضای شورای امنیت همراه با موافقت ۵ عضو دائمی و موافقت دو سوم اعضای مجمع عمومی است. چنانچه قبلاً گفته شد تصویب هر گونه طرحی در شورای امنیت به منافع اعضای دائم بستگی دارد.

در مورد تفسیر این اصل بین اعضاء اختلاف نظر وجود دارد، در حالیکه موافقان گسترش شورا معتقد به رأی مثبت دو سوم رأی‌دهندگان هستند مخالفان معتقدند که باید دو سوم کل اعضای مجمع عمومی با تغییر منشور موافقت کنند (Haq, ۲۰۰۵).

تعدادی دیگر از موانع جود دارند که مربوط به رقابتهای سیاسی و منطقه ای دولت‌ها و یا مربوط به نامزدهای عضویت در شورای امنیت است که در ادامه به آنها پرداخته می شود.

۱) تمایل به ادامه وضع موجود: دولتهای طرفدار حفظ وضع موجود به دو گروه تقسیم می شوند: گروه اول، گروهی از کشورهای متوسطی هستند که خود شانس برای عضویت دائمی در شورای امنیت ندارند و در عین حال سخت نگران عضویت دائمی رقبای منطقه ای شان در شورای امنیت هستند (احمدی، ۱۳۸۵: ۱۴۶). کشورهایی مانند آرژانتین، مکزیک، ایتالیا، اسپانیا، پاکستان، کره جنوبی و.... که عمدتاً در قالب گروه اتحاد برای اتفاق هستند به دنبال گسترش اعضای غیردائم شورا هستند تا از این طریق بخت خود را برای حضور در شورا افزایش دهند.

گروه دوم کشورهایی هستند که دلیلی نمی بینند که امکان عضویت دائمی در شورا را برای تعدادی از قدرت‌های متوسط فراهم کنند. بدون اینکه این کشورها در آینده کوچکترین احساس پاسخگویی در برابر آنها داشته باشند. این کشورها ترجیح می دهند فرصت بیشتری برای عضویت خود در شورا حفظ کنند یا حداقل کشورهای خواهان عضویت در شورای امنیت در هر مرحله به رأی آنها نیاز داشته باشند (احمدی، ۱۳۸۵: ۱۴۶).

۲) عدم اجماع نظر بین نامزدهای عضویت: پیش شرط ایجاد تغییر در نهادهای فراملی آن است که اتحادی بین منافع سیاسی به وجود آید. اما نکته اینجاست که کشورها دارای منافع ملی گوناگونی هستند و هنگامی که بر سر میز مذاکره می‌نشینند هر طرف با دیدگاه خاص مربوط به

منافع ملی خود به قضایا می‌نگرند. این امر باعث شده است که اتحاد سیاسی به امر سخت و پیچیده - ای تبدیل شود. در مورد اصلاحات شورای امنیت نیز علی‌رغم اشتراک نظر اکثر کشورها مبنی بر اصلاحات در سازمان ملل و شورای امنیت، این کشورها بر سر طرحی که منافع همه کشورها را تأمین کند به اجماع نرسیده‌اند. ارائه طرح‌های مختلفی مانند طرح اتحادیه آفریقا، طرح گروه چهار، مدل‌های آبی، سبز و ... نشان از این امر دارد.

۳) مسائل مربوط به نامزدان عضویت در شورای امنیت: از آنجایی که وظیفه اصلی شورای امنیت حفظ صلح و امنیت بین‌المللی است، به ضرورت اعضای دائم آن نیز باید بیشترین نقش و مشارکت را در این امر داشته باشند و از نظر بین‌المللی و داخلی دارای ویژگی‌هایی باشند که بتوانند عهده‌دار انجام چنین مسئولیت سنگینی باشند. اما نامزدان عضویت دائم به ویژه اعضای گروه ۴ هر کدام با مسائل و مشکلاتی روبرو هستند.

ژاپن علی‌رغم اینکه از لحاظ اقتصادی و ثبات سیاسی چالش خاصی ندارد و در حال حاضر دومین اقتصاد جهان و تأمین‌کننده هزینه‌های سازمان ملل است اما از ظرفیت و توان نظامی کافی برای اقدام نظامی در اقصی نقاط جهان برخوردار نیست. مشکل اصلی ژاپن ماده ۹ قانون اساسی این کشور در مورد عدم نظامی‌گری ژاپن در مسائل جهانی است. هر چند که ژاپنی‌ها معتقدند که استقرار نیروهای ژاپنی در عراق می‌تواند به عنوان تجربه ای برای شرکت در عملیات حفظ صلح توسط ژاپن از سوی شورای امنیت باشد (آقا زاده، ۱۳۸۵).

آلمان نیز مانند ژاپن از لحاظ اقتصادی و ثبات سیاسی مورد خاصی ندارد اما مانند آن از لحاظ نظامی ضعیف است که این امر ناشی از سیاست غیرنظامی کردن آلمان پس از جنگ جهانی دوم است. به طوریکه امروزه ۷۰ درصد نیروهای نظامی آلمان تحت اختیار ناتو هستند و چیزی به عنوان ارتش مستقل و مستحکم در این کشور وجود ندارد (آقا زاده، ۱۳۸۵).

دو کشور هند و برزیل نیز علی‌رغم جمعیت، وسعت، موقعیت ژئوپلیتیک و توانمندی‌های نسبی اقتصادی و سیاسی در سطح منطقه با مشکلات سیاسی و اقتصادی داخلی روبرو هستند. چالش ثبات سیاسی و ناآرامی‌های مرزی و قومی در هند، درگیری آن با پاکستان بر سر مسئله کشمیر و مشکلات اقتصادی و فقر طبقاتی شدید و عدم ثبات نسبی سیاسی در برزیل نمونه‌های از این امر هستند.

۳) قدرت و جایگاه ایالات متحده آمریکا

در مقایسه با سایر دولت‌ها آمریکا تنها کشوری است که در تمامی ابعاد قدرت از سایرین پیشی گرفته است و مدام در حال افزایش فاصله خود با آنهاست. علاوه بر قدرت نظامی و اقتصادی، آمریکا از آن چیزی که جوزف نای قدرت نرم می‌نامد برخوردار است. این قدرت ناشی از فرهنگ و ارزش‌های آمریکاییست و همچنین موفقیت در استفاده از قدرت سخت. سازمان ملل متحد، گات، ناتو، بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول و سایر نهادهای دیگر از مهمترین سازمان‌هایی هستند که سبب افزایش نفوذ و قدرت آمریکا در عرصه بین‌المللی می‌شوند.

در واقع آمریکا به علت قدرت و جایگاه بین‌المللی خود نه تنها قائل به واگذاری نقش به سازمان ملل نیست و به همکاری همه‌جانبه باوری ندارد، بلکه با نگاه هژمونیک خود معتقد است بر خلاف ۶۰ سال گذشته که سازمان ملل متحد شکل گرفت و آمریکا تازه وارد عرصه بین‌المللی شده بود و تقریباً در سطح برابری با سایرین قرار داشت، امروزه در سطح متفاوتی از قدرت قرار دارد و دیگر شایسته نیست که هم‌تراز با دیگر اعضای دائم شورا فرض شود.

به دلیل همین موانع، عده‌ای بر این باور هستند که شورا نباید به صورت یکباره اصلاح شود و اصلاح مرحله‌ای و بلندمدت بهترین راه حل برای حل کردن مساله و مشکل اصلاحات می‌باشند، در غیر این صورت سازمان با بحران‌های غیر ضروری مواجه خواهد شد. Mats Bredal, 2005, (32)

۴) حق وتو

حق وتو همیشه یکی از مهمترین موانع بر سر راه اصلاح شورای امنیت بوده است و امروزه هم همین گونه می‌باشد، چرا که پنج عضو دائم منافع بسیاری برای حفظ منافع خود در سازمان دارند و در منشور از آنها خواسته نشده که از حق خود در این زمینه بگذرند.

واقعیت آن است که در تعقیب منافع و اهداف ملی کشورها از نهادها برای خدمت کردن به منافع خود سوء استفاده می‌کنند. اگر چه فرانسه و انگلیس و همچنین روسیه امروز به عنوان ابرقدرت مطرح نیستند ولی موقعیت دائم و حق وتو به آنها در عرصه بین‌المللی نقش مهمی داده است. این مساله را می‌توان به راحتی در جنگ عراق مشاهده کرد، چرا که حق وتو به فرانسه و

روسیه توانایی بازیگری را داد و در نهایت آمریکا را وادار کردند که بدون مجوز حمله را بر علیه عراق آغاز کند. کشورهای دارنده حق و تو ذاتا حافظان منافع خودشان هستند و نمی‌توان از آن‌ها انتظار داشت به راحتی از حق خود بگذرند. (ترابی، ۱۳۸۵، ۳۶۸)

بهره‌مندی پنج عضو دائمی شورای امنیت از امتیاز ویژه و تو خود دلیل روشنی است مبنی بر اینکه سازمان ملل متحد برخلاف بند ۱ ماده ۲ منشور که بر تساوی حاکمیت اعضا تأکید می‌کند، در مسیری مغایر با این اصل گام برداشته و با عدول از این اصل اساسی، از فرآیندی مغایر و متناقض با این اصل تبعیت نموده است.

مساله عضویت

مساله عضویت به این موضوع اشاره دارد که چه دولتهایی باید به عضویت شورا درآیند در حال حاضر کاندیداهای عضویت در شورای امنیت هر کدام با مخالفان جدی مواجه هستند. رقابت شدیدی نیز بین دولتهای که در یک منطقه هستند، وجود دارد. برای روشن تر شدن بحث می‌توان به مخالفت‌های علنی و رسمی که بر علیه عضویت مهمترین کاندیداهای عضویت در شورای امنیت شده اشاره کرد. نماینده ایتالیا که کشورش مهمترین مخالف عضویت آلمان در شورای امنیت می‌باشد. نماینده چین نیز مهمترین مخالف عضویت ژاپن می‌باشد. همچنین نماینده آمریکا در سازمان ملل نیز به مخالفت با طرح گروه ۴ (متشکل از آلمان، هند، ژاپن، برزیل) پرداخت و آن را عاملی دانست که سبب کاهش کارایی سازمان ملل متحد می‌شود. نماینده کانادا نیز از سیاست‌های آمریکا در این زمینه حمایت می‌کند. (www.globalpolicy.org)

ضمن اینکه همان گونه که در قبل مطرح شد، تغییر در منشور ملل متحد مثل سایر تغییرات نهادی باید از حمایت‌های گسترده بین‌المللی برخوردار باشد. در این زمینه نیز موانع و مشکلات فراوانی دیده می‌شود چرا که بر اساس منشور زمانی می‌شود اصلاحات اساسی در سازمان ایجاد کرد که رای دو سوم اعضا به آن مثبت باشد. آیا واقعا می‌توان رای دو سوم کشورهای عضو را بر روی اصلاح شورای امنیت بدست آورد، آیا دو سوم اعضا می‌تواند روی عضویت کشورهای خاص با توجه به رقابت‌هایی که در این زمینه وجود دارد و در بالا به گوشه‌ای محدود از آنها اشاره شد، به توافق برسند. واقعیت آن است که کشورها دارای منافع گوناگونی هستند و هنگامی که بر سر میز مذاکره می‌نشینند، هر طرف با دیدگاه خاص مربوط به منافع ملی خود به قضایا می‌

نگردد. با وجود منافع ملی گوناگون اتحاد سیاسی کاری سخت و پیچیده ای می باشد. اصولاً ایجاد تغییر کاری بسیار مشکل است و بدین لحاظ اعضای سازمان در تغییر، خطر بیشتری می بینند تا در ثبات و بدین لحاظ عمدتاً تمایل دارند تا وضع موجود حفظ شود. (سمیر، ۱۳۷۳، ۱۰۹)

نتیجه گیری

همزمان با پایان جنگ های اول و دوم جهانی تلاش ایده آلیست ها منجر به تاسیس سازمانهای بین المللی و متعاقباً نفوذ این سازمانهای صلح طلب در سیاست بین الملل شد که نمونه اصلی آن جامعه ملل و پس از آن سازمان ملل متحد می باشد. طبق دیدگاه رویکرد رئالیسم، صلح در سیاست بین الملل موقتی است و تلاش صلح دوستان در راستای همیشگی کردن صلح در سیاست بین الملل، ایده ای غیر عملی است. به عقیده ی این رویکرد این منافع دولت هاست که صلح و جنگ میان دولت ها را رقم می زند. آنها برای اثبات این عقیده به فروپاشی جامعه ملل و به دنبال آن شروع جنگ جهانی دوم اشاره می کنند. تصمیمات سازمان ملل و علی الخصوص شورای امنیت در مواقع بحرانی برای برقراری صلح، به شدت متأثر از منافع دولت های درگیر و منافع اعضای دائم شورای امنیت بوده است. نتیجه حاصله این است که ساختار شورای امنیت غیر عادلانه و تصمیمات امنیتی شورا که مربوط به صلح می باشد اگر با منافع اعضای دائم کوچکترین برخورد را داشته باشد و تو خواهد شد حتی اگر صلح جهانی به شدت در خطر باشد.

اگر در مواردی هم شورا مثبت عمل کرده، است، بی گمان در مرحله اول منافع اعضای دائم در نظر گرفته شده است و در صورت به خطر نیفتادن منافع آنها شورا این اجازه را یافته است که وارد عمل شود و هدف واقعی خود را که برقراری صلح است، عملی کند.

با توجه به تغییرات بنیادینی که در عرصه سیاسی، امنیتی و اقتصادی جهان رخ داده است و فضایی بسیار متفاوت از زمان تشکیل سازمان ملل در سال ۱۹۴۵ بر نظام بین الملل حکمفرما شده است، تغییر در اصلاح ساختار سازمان ملل به ویژه شورای امنیت مورد تأکید قرار گرفته و ضرورتی انکارناپذیر است. اما همان طور که اشاره شد به دلیل آن که نوع مناسبات حاکم در سازمان ملل به ویژه شورای امنیت بازتابی از ساختار قدرت و چگونگی توزیع قدرت در سطح بین المللی است،

منافع قدرت‌های بزرگ مانعی اساسی برای تغییر ساختار این نهاد بین‌المللی به شمار می‌رود که این امر خود زمینه بحران در مدیریت صلح بین‌المللی ایجاد کرده است. بدیهی است تنها در صورت همراهی همه کشورهای جهان و انسجام کشورهای در حال توسعه در اتخاذ یک موضع یکپارچه و هماهنگ و همراهی ایالات متحده آمریکا می‌توان به اصلاح ساختار سازمان ملل به ویژه شورای امنیت و متعاقباً مدیریت صلح در سال‌های آتی امیدوار بود. با اینکه دولت‌ها از نظر حقوق بین‌الملل مساوی هستند و منشور سازمان ملل متحد نیز بر اصل «تساوی حاکمیت کلیه اعضا» بر مبنای بند ۱ ماده ۲ منشور تأکید نموده است اما حقیقت این است که کم و کیف شورای امنیت و ساختار شاکله آن و همچنین فرآیندهای حاکم بر این شورا بگونه‌ای است که به عنوان مهم‌ترین رکن اجرایی سازمان ملل متحد از نخستین روزهای تأسیس خود، بصورت نانوشته‌ای کشورها را از یکدیگر متمایز گردانیده و با تفکیک و تقسیم کشورها به دو دسته کوچک و بزرگ و ضعیف و قدرتمند به نحوی که یک کشور کوچک هیچگاه نتواند با یک ابرقدرت یا قدرت بزرگ کوس برابری بزند و در مرکز ثقل تصمیم‌گیری جهانی قرار گیرد، عملاً بر این نکته که حاکمیت بین‌اعضا در سازمان ملل «نا برابر» بوده و جایگاه هر کشور در آن بر مبنای میزان برخورداری از سهم قدرت در نظام بین‌الملل سنجیده می‌شود با وجود تأکید صریح بر تساوی حاکمیت بین کلیه کشورهای عضو، صحنه گذاشته است که بهره‌مندی پنج قدرت فاتح جنگ جهانی دوم یعنی آمریکا، روسیه، چین، فرانسه و انگلیس از امتیاز ویژه «وتو» وجه بارز حاکمیت گفتمان «قدرت محوری» و متعاقباً نابرابری و فقدان تقارن و توازن در ساختار سازمان ملل بویژه شورای امنیت بوده است. تکیه بر ساختار و منطق «قدرت» در سازمان ملل متحد که این مساله در شورای امنیت بیش از هر رکن دیگری وجه عینی به خود گرفته است در واقع تأکید بر حفظ برتری قدرتمندان در صحنه‌های بین‌المللی است. از یک منظر این برتری انگاشتن بخصوص در رابطه با اعضای دائمی شورای امنیت اساساً در مغایرت با اصل تساوی حاکمیت دولت‌ها می‌باشد.

در واقع منشور ملل متحد با واگذاری وظیفه اصلی حفظ صلح و امنیت بین‌المللی بر عهده شورای امنیت چنین فرض نموده است که اعضای اصلی شورای امنیت هیچگاه تهدید کننده و ناقض صلح یا متجاوز نخواهند بود بلکه بر عکس همیشه حافظ و پاسدار صلح بوده و باقی خواهند

ماند این در حالست که مشاهده واقعیات موجود بویژه مواضع و رفتارهای اعضای اصلی شورا بویژه قدرت‌های غربی و در رأس آن‌ها ایالات متحده آمریکا در دهه‌های گذشته در مواجهه با مسائل گوناگون جهانی همواره گویای این واقعیت بوده است که این شورا پیش از آنکه مکانیسمی برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی بوده باشد خود در اصل به عنوان یک نهاد تهدید کننده و ناقض صلح مطرح بوده است که این امر بالاخص در قضایای متعددی از جمله مسئله فلسطین، منازعه بین اعراب و اسرائیل، جنگ ایران و عراق، بحران کویت و جنگ خلیج فارس، بحران بالکان و حمله آمریکا و متحدانش به افغانستان و عراق و اخیراً نیز تا حد زیادی در قضیه سوریه ابهام آلود و سؤال برانگیز بوده است.

اما در این بین مساله عضویت اعضای دائمی در شورای امنیت و امتیاز و توهمواره در زمره یکی از مباحث عمده ای بوده است که در طول سالیان متمادی بحث‌های زیادی نیز حول محور آن با یک رویکرد نقادانه شکل گرفته است. مدعیان طرفداری از امتیاز و تو بر این باورند که واگذاری این امتیاز به قدرت‌های بزرگ اگرچه در ظاهر، امری نامطلوب جلوه می‌کند ولی بررسی اوضاع سیاسی نظام بین‌المللی و میزان سهمی که قدرت‌های بزرگ در فرونشاندن آتش جنگ جهانی دوم داشتند و تلاش‌هایی که به خرج دادند مؤید این نکته است که واگذاری این حق در واقع پاداشی به آن همه خدمت و ایثارگری قدرت‌های بزرگ بوده است که به ناچار در سال ۱۹۴۵ توسط قدرت‌های کوچک و متوسط به آنان اعطا شد تا نگذارند سرنوشت سازمان ملل به آنچه که جامعه ملل به آن مبتلا شده و از هم فرو پاشید، دچار شود.

اما واقعیت این است که بهره‌مندی پنج عضو دائمی شورای امنیت از امتیاز ویژه و تو خود دلیل روشنی است مبنی بر اینکه سازمان ملل متحد برخلاف بند ۱ ماده ۲ منشور که بر تساوی حاکمیت اعضا تأکید می‌کند، در مسیری مغایر با این اصل گام برداشته و با عدول از این اصل اساسی، از فرآیندی مغایر و متناقض با این اصل تبعیت نموده است.

فهرست منابع

- سیمبر، رضا. (۱۳۷۴). "اصلاحات در سازمان ملل پس از جنگ سرد"، فصلنامه سیاست خارجی، سال نهم، شماره ۳. CRI، اظهارات نماینده چین در سازمان ملل درباره اصلاحات شورای امنیت، در تاریخ ۱۳/۱۱/۲۰۱۴، به آدرس اینترنتی: <http://persian.cri.cn/14/11/2014/13/11/2014/144765161.htm>.
- ابراهیمی سید نصرالله، درآمدی بر تأسیس دیوان کیفری بین‌المللی و ارزیابی اساسنامه آن، بانک اطلاعات قوانین کشور: <http://www.ghavanin.ir/PaperDetail.asp?id=808>.
- ابوالحسن شیرازی، حبیب‌اله (۱۳۸۵)، "پیدایش انقلاب‌های رنگی در اوراسیا"، فصلنامه دانشنامه، شماره ۶۳ احمدی، کوروش. (۱۳۸۵)، "تجدید ساختار شورای امنیت در بن بست"، در: رضا موسی زاده، اصلاحات در سازمان ملل متحد و راهبرد ایران، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.
- اردبیلی محمد علی، (۱۳۸۷) حقوق بین‌الملل کیفری، تهران، نشر میزان، چاپ چهارم، جلد اول.
- اردوغان، رجب طیب، (۱۳۹۵). شورای امنیت از حل بحران سوریه ناکام مانده است، قابل دسترسی در خبرگزاری دانشجویان ایران.
- اسلامی، مسعود. (۱۳۸۵). "مشروعیت شورای امنیت در ترازوی اخلاق، حقوق و سیاست"، ماهنامه زمانه، سال پنجم، شماره ۴۹.
- اصولی، قاسم، (۱۳۹۲). اهداف و منافع روسیه در آسیای مرکزی و دورنمای آن، در تاریخ ۷ اسفند، قابل دسترسی در سایت خبرگزاری فارس.
- آقا زاده، مازیار. ۱۳۸۵ "سهم خواهان جدید شورای امنیت"، بر گرفته از: <http://www.beta.did.ir/document/index.fa/asp?cn:>
- آقایی، داوود، (۱۳۸۴). سازمان‌های بین‌المللی، تهران: نسل نیکان.
- آقایی، داوود، (۱۳۸۴). سازمان‌های بین‌المللی، تهران: نسل نیکان.
- آقایی، سید داوود، (۱۳۸۳). نقش و جایگاه شورای امنیت در نظم نوین جهانی، تهران: انتشارات نسل نیکان.
- آقایی، سید داوود، (۱۳۷۵). نقش و جایگاه شورای امنیت سازمان ملل متحد در نظم نوین جهانی، (تهران: انتشارات پیک فرهنگ).
- آقایی، سید داوود، (۱۳۷۵). نقش و جایگاه شورای امنیت سازمان ملل متحد در نظم نوین جهانی، تهران، پیک فرهنگ.
- آقایی، سید داوود ۱۳۸۲. "جایگاه و نقش سازمان ملل در دوره پس از جنگ سرد"، دانشگاه تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، مرکز مطالعات عالی بین‌المللی
- امیر احمدیان بهرام، (۱۳۷۸). «روند تحولات در بحران قره‌باغ»، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۲۸، زمستان.

امیر احمدیان، بهرام (۱۳۷۸)، "روند تحولات در بحران قره‌باغ"، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال هشتم، دوره سوم، شماره ۸۲، زمستان.

امیر احمدیان، بهرام (۱۳۸۵)، "بحران قره‌باغ در اغما"، روزنامه شرق، شماره ۳۱۸، ۹۲ تیر.

امیری وحید، مجتبی (۱۳۸۴)، "سازمان ملل متحد در سده بیست و یکم: نگاهی به اصلاحات محتوایی و ساختاری سازمان ملل متحد"، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۲۱۴-۲۱۳.

امینی، آرمین و عظیمی، شمس، عضویت دائم در شورای امنیت؛ زمینه‌ها و روندهای پیش رو، فصلنامه سازمان های بین‌المللی، سال اول، شماره اول، بهار ۱۳۹۲، صص ۱۷۳ تا ۲۲۰. امینی، علی اکبر، (۱۳۷۶) عناصر تشکیل دهنده دولت، مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۲۳، امینان، حسن، (۱۳۸۴). نگاهی به ساختار و انواع سازمان‌های بین‌المللی، فصلنامه چشم انداز ارتباطات فرهنگی، شماره ۱۸، مهر و آبان، بعیدی نژاد، حمید و همکاران، (۱۳۸۵). تحول در ساختار نظام بین‌الملل، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.

بهمن، شعیب (۸۸۳۱)، "روسیه و قره‌باغ؛ میانجیگری یا منفعت‌طلبی"، پایگاه اطلاع رسانی جوان. بیگ زاده، ابراهیم. ۱۳۹۰. سازمان‌های بین‌المللی، تهران: دانشگاه شهید بهشتی. پاک آئین، محسن، (۱۳۹۴). اهداف دیپلماسی انرژی جمهوری آذربایجان، در تاریخ ۶ مهر، قابل دسترسی در سایت خبر آنلاین. پایگاه تحلیلی - خبری الوقت، (۱۳۹۴). بررسی حقوقی مشروعیت مداخله نظامی عربستان سعودی در یمن، قابل دسترسی در: <http://alwaght.com/fa/News/> ۱۰۴۱/۱۰۴۱/ترابی، قاسم. زمستان ۱۳۸۵. "اصلاحات شورای امنیت: زمینه‌ها و موانع"، راهبرد، بر گرفته از: <http://did.ir/document/index.fa.asp?cn=pp>.

ثقفی عامری، ناصر، (۱۳۷۶). سازمان ملل متحد، مسئولیت حفظ صلح و امنیت بین‌الملل، تهران، موسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، چاپ دوم.

جعفرپور مقدم، مرتضی، (۱۳۹۶). ناکارآمدی گروه مینسک در حل مناقشه قره‌باغ پس از دو دهه /احتمال تغییر ترکیب گروه میانجی مینسک، سایت تحلیلی - خبری حقایق قفقاز.

حاتمی، امید. (۱۳۸۴). "اصلاحات در سازمان ملل" روزنامه ایران. ۱۴ شهریور. خرم، علی، (۱۳۹۵). عملکرد سازمان ملل در بحران‌های خاورمیانه، سایت تحلیلی - خبری الوقت.

دوستی، جعفر. (۱۳۸۶). بررسی پیشنهاد‌های مربوط به اصلاحات ساختاری در شورای امنیت سازمان ملل متحد و آینده آن، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان

رحمانی، مسعود. ۱۳۹۰. "نقش ایران در ارتقای موقعیت جهانی کنفرانس اسلامی" دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم. قم: نشر پگاه.

رحیق اعضان، علی، (۱۳۸۴). دانش‌نامه در علم سیاست، با همکاری مارک گلی، تهران: انتشارات فرهنگی صبا.

ریانووستی، ایران به ضرورت اصلاح در شورای امنیت یقین دارد، در تاریخ ۱۳۸۷/۸/۱، به آدرس <http://pe.ria.ru/iran/> ۱۱۷۸۷۵۱۸۷/۲۰۰۸۱۰۲۲.html.

زنگنه، حمید (۵۸۳۱)، "مدیریت بحران‌های بین‌المللی: مورد قره‌باغ"، مجله الکترونیکی ویستا، اردیبهشت ماه.

ساعده، نادر. (۱۳۸۹). حق بر صلح عادلانه، تهران: نشر مجمع جهانی صلح اسلامی.

سرمست، بهرام (۱۳۸۸). "بازیگران، جنگ افزارها و سرچشمه‌های جدید تهدیدات امنیت بین المللی"، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی. تهران: شماره هشتم.

سروش، محمد علی، (۱۳۸۲)، منشور ملل متحد، تاریخچه و اهداف، مجله ادبیات و هنر، شماره ۱۴، آذر و دی.

شاکریان، شاهرخ. (۱۳۷۴). "شورای امنیت، فرایند توزیع مجدد قدرت"، فصلنامه سیاست خارجی، سال نهم، شماره ۳.

شریعت باقری محمد جواد، (۱۳۸۷) حقوق کیفری بین المللی، تهران، نشر جنگل، چاپ پنجم.

شریف‌نژاد، جواد (۱۳۷۸)، "کشور ایران و بحران قره‌باغ"، نشریه مؤسسه فرهنگی آران. شماره ۳۱-۴۱، خرداد ماه.

شریف‌نژاد، جواد (۷۸۳۱)، "تحلیل تداوم تحول قره‌باغ و ارائه راه‌حل‌های آن"، خبرگزاری آران.

شریفیان، جمشید (۱۳۸۰). «بین المللی شدن حقوق بشر»، فصل نامه سیاست خارجی، سال پانزدهم، ش ۳، پاییز.

صباغیان، علی، نقش میانجیگری در حل و فصل اختلافات بین المللی، وزارت امور خارجه، موسسه چاپ و انتشارات، ۱۳۷۶

عباسی اشلقی، مجید، (۱۳۸۰). «مداخلات بشردوستانه و اصل عدم مداخله»، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، مهر و آبان ۱۳۸۰، شماره ۱۷۰-۱۶۹.

عزیزی، سمیه، (۱۳۸۶). تأسیس سازمان ملل متحد و روز ملل متحد، مجله گلبرگ، شماره ۹۲، آبان.

غفوری، محمد. 1383. عملکرد سازمان‌های بین المللی در عرصه روابط بین الملل نوین"، فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین المللی. تهران: دفتر مطالعات سیاسی بین المللی.

فرمانیان، علی، تحریم‌های یکجانبه آمریکا از منظر حقوق بین الملل، مؤسسه مطالعات امریکا، شهریور ۱۳۹۲، به آدرس اینترنتی: <http://www.asipress.ir/vdcgnw:prra.html&z93w.ak9>

فریدی عراقی، عبدالحمید، روش‌های مسالمت‌آمیز حل و فصل اختلافات بین المللی، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۳۶۹

فضائی، مصطفی، (۱۳۹۵). مداخله نظامی در یمن از منظر حقوق بین الملل، مطالعات حقوق عمومی، شماره ۱، بهار.

قاسمی، حاکم. (۱۳۸۵). "سازمان ملل بازیگری با نقشهای متفاوت" ماهنامه زمانه، سال پنجم، شماره ۴۹.

قاسمی، فرهاد، (۱۳۸۲). تأثیر ساختار هژمونیک نظام بین الملل بر پدیده نظم در سیستم تابع خلیج فارس، نشریه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۸۷-۱۸۸.

کولایی، الهه. تیشه یار، ماندانا. (۱۳۸۶). سازمان پیمان آتلانتیک شمالی دگرگونی در ماموریت‌ها و کارکردها، تهران: نشر دانشگاه تهران.

کاسسه، آنتونیو، (۱۳۷۰). حقوق بین الملل در جهانی نامتحد، ترجمه مرتضی کلانتریان، تهران: دفتر خدمات حقوقی بین المللی.

- کرمی، جهانگیر، (۱۳۷۵). شورای امنیت سازمان ملل متحد و مداخله بشردوستانه، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- کولایی، الهه، (۱۳۷۸). «ایران، ارمنستان و روسیه: عوامل توسعه روابط»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۲۶، تابستان.
- گوردون، فیلیپ. اچ. ۱۳۸۴. «سناریویی برای اصلاحات در سازمان ملل»، ترجمه مصطفی شیرمحمدی، برگرفته از <http://rissna.ir/ViewTK.asp?txtC:>
- مرکز تحقیقات استراتژیک، «احتمال تحریم و پیامدهای آن برای ایران»، ۱۰ آبان ۱۳۸۵.
- مصطفی کاظمی، «تحریم‌ها از نگاه حقوق بین الملل و موضوع هسته ای ایران»، روزنامه کیهان ۱۳۹۲
- مصفا، نسرين، (۱۳۹۲). داستان تکراری اصلاحات در سازمان ملل، دیپلماسی ایرانی.
- مقتدر، هوشنگ، (۱۳۷۶)، حقوق بین الملل عمومی، چاپ پنجم، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- ملکی، عباس (۷۸۳۱)، «میانجیگری در مناقشه قره‌باغ علیا و نقش ایران»، مؤسسه بین المللی مطالعات خزر.
- مولایی، یوسف (۱۳۸۲). «استقلال، دموکراسی و حقوق بشر»، نشریه نامه، شماره ۲۸، دی ماه.
- هرتزیگ، ادموند (۱۳۷۵)، «سیاست خارجی ارمنستان و جمهوری آذربایجان»، ترجمه پرستو نعمت الهی، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال پنجم، دوره دوم، شماره ۳۱، بهار. (به تصویر صفحه مراجعه شود).
- واعظی، محمود، (۱۳۸۴)، «مبانی نظری میانجی‌گری در مناقشات بین‌المللی»، صلنامه دانشکده حقوق و علوم سیاسی، سال اول، شماره ۲، مهر، ص ۳۲.
- واعظی، محود، (۱۳۸۶)، میانجیگری در مناقشات بین‌المللی: الگوی میانجی‌گری جمهوری اسلامی ایران در بحران قره‌باغ و تاجیکستان، مرکز تحقیقات استراتژیک.
- واعظی، محمود (۱۳۸۶ الف)، «ژئولیتیک بحران در آسیای مرکزی و قفقاز (بنیان‌ها و بازیگران)»، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- یزدانی، عنایت الله (۱۳۸۵)، «ژئوپلیتیک نفت در منطقه خزر و نقش آمریکا: بازدارندگی جدید»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۵۶، زمستان.
- یزدانی، عنایت الله و جعفر دوستی، ۱۳۸۷. «بررسی طرح‌های پیشنهادی برای اصلاح شورای امنیت سازمان ملل متحد» فصلنامه سیاست خارجی.
- Arthur Meyer, 1980, "Functions of Mediator in Collective Bargaining", Industrial and Labor Relations Review, Vol. 13, No.2
- Gérardine Meishan Goh, "Dispute Settlement in International Space Law", leiden, Nijhoff publishers, 2007 at 253
- Haq, Farhan, 2005. "Plans Dim for Security Council Expansion", Intersperses Service. available at: <http://www.globalpolicy.org/security/reform/dim.htm>.

- Haq, Farhan, 2005. "Plans Dim for Security Council Expansion", Intersperses Service. available at: <http://www.globalpolicy.org/security/reform/dim.htm>
- Mats, Bredal, (2005), the UNS Unnecessary Crisis, Survival, vol, 27 No, Autumn.
- Mikhelidze. Nona, (2010), The Azerbaijan-Russia-Turkey Energy Triangle and its Impact on the Future of Nagorno-Karabakh, Istituto Affari Internazionali General Assembly, 14 March 2008.
- Obradovic, "Humanitarian Intervention in a New Light", Review of International Affairs, January 1990, p. 10.
- Okumu, Wafula. 2005. "Africa and the U.N Security Council Permanent Seat" . available at: <http://www.globalpolicy.org/security/reform/cluster1/2005/0428afriseats.htm>
- Reisman, Michael, "The Constitutional Crisis in the United Nations" ,
- Un security council, res, (1993). 822, 30 april, preamble, res, 874, 14 october 1993, preamble res, 884, 12 november 1993, preamble.
- Weiss, Thomas G. Autumn 2003. "The Illusion Of UN Security Council Reform", The Washington Quarterly.

